****

[ادامه مسأله 1 1](#_Toc37368157)

[ثمرات بحث اختلاف در انتهای وقت غسل جمعه 3](#_Toc37368158)

[ثمره أوّل: نیّت أداء و قضاء بعد از زوال 3](#_Toc37368159)

[مناقشه در ثمره أوّل 3](#_Toc37368160)

[ثمره دوم: کمبود آب تا زوال 4](#_Toc37368161)

[مناقشه در ثمره دوم 4](#_Toc37368162)

[ثمره سوم: إجزاء غسل روز پنج شنبه در صورت اعتقاد به عدم وجدان آب تا زوال جمعه 5](#_Toc37368163)

[مناقشه در ثمره سوم 5](#_Toc37368164)

**موضوع**: مسائل /غسل جمعه /اغسال مستحبی

**خلاصه مباحث گذشته:**

##### ادامه مسأله 1

بحث در منتها غسل جمعه بود که مشهور فقهاء انتهای را زوال می­دانند؛ بلکه مرحوم صاحب جواهر از مرحوم محقّق نقل کرده که فرموده اجماع داریم بر اینکه منتهای غسل جمعه، زوال است.

دلیل بر مدّعای مشهور، عدّه­ای از روایات بود. کلام منتهی شد به موثقه ابن بکیر. ﴿وَ بِإِسْنَادِهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ فَضَّالٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ بُكَيْرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ رَجُلٍ فَاتَهُ الْغُسْلُ يَوْمَ الْجُمُعَةِ- قَالَ يَغْتَسِلُ مَا بَيْنَهُ وَ بَيْنَ اللَّيْلِ - فَإِنْ فَاتَهُ اغْتَسَلَ يَوْمَ السَّبْت ِ﴾.[[1]](#footnote-1) تقریب استدلال به این موثقه را بیان کردیم. که آن تقریب در تنقیح هم بود، و جواب تنقیح را هم بیان کردیم.

در ذهن ما استدلال به این روایت بعید نیست. چیزی که در ذهن ما آمده است، این است که در اصطلاح این روایات «یوم الجمعه» إلی الزوال است؛ و غسل یوم الجمعه یعنی غسل إلی زوال الجمعه. که اگر این جور باشد، استدلال به این روایت، تمام است؛ و مشکلی ندارد. و اینکه می­گفتیم «غسل الجمعه واجب» یا «سنّة» اطلاق دارد و تا غروب را می­گیرد؛ آنها اطلاق ندارد. ادّعای ما این است که «یوم الجمعه» در اصطلاح روایات و اذهان اصحاب، تا زوال است. معنای غسل جمعه، غسل تا زوال جمعه است.

یک شاهدش همین موثقه ابن بکیر است که فرموده «سَأَلْتُهُ عَنْ رَجُلٍ فَاتَهُ الْغُسْلُ يَوْمَ الْجُمُعَةِ» که در ذهن سائل این بوده که وقت غسل جمعه تا زوال است. حضرت هم در جواب فرموده «یغتسل ما بینه و بین اللیل». یعنی فوت شده است، ولی می­تواند در این فاصله غسل جمعه را انجام بدهد. موضوع فات است؛ و حضرت ارتکاز او را هم تقریر کرده است، و فرموده در بقیّه روز جمعه، غسل بکند.

موثقه عمار: ﴿مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بِإِسْنَادِهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ عَمْرِو بْنِ سَعِيدٍ عَنْ مُصَدِّقِ بْنِ صَدَقَةَ عَنْ عَمَّارٍ السَّابَاطِيِّ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) عَنِ الرَّجُلِ يَنْسَى- الْغُسْلَ يَوْمَ الْجُمُعَةِ حَتَّى صَلَّى- قَالَ إِنْ كَانَ فِي وَقْتٍ فَعَلَيْهِ أَنْ يَغْتَسِلَ وَ يُعِيدَ الصَّلَاةَ- وَ إِنْ مَضَى الْوَقْتُ فَقَدْ جَازَتْ صَلَاتُه ُ﴾.[[2]](#footnote-2)

حضرت در فرض نسیان غسل جمعه فرموده هنوز وقت هست؛ در ذهن سائل این است که وقت غسل تا ظهر است؛ و إلّا معنی نداشت که بگوید «ینسی»؛ اگر وقت ادامه دارد، جای سؤال ندارد. و حضرت ارتکاز او را تقریر می­کند.

روایتی که فرمود حکمت غسل جمعه این بوده که مسلمانها خود را تطهیر بکنند؛ تا در جماعت جمعه بوی بد ندهند؛ مناسب با همین بود. این است که ما نمی­توانیم به اطلاقاتی که می­گفت «غسل الجمه واجبة» یا «سنّة» أخذ بکنیم. أضف که در بین علماء سابق هم منتهای وقت غسل جمعه را زوال می­دانستند و خلافی هم ذکر نشده است؛ که با ضمّ شهرت علماء قدیم، به این باور می­رسیم اینکه مرحوم سیّد فرموده منتهای غسل جمعه، زوال است؛ تمام است.

همین که گیر بکنیم که شاید ارتکاز این است؛ نمی­توانیم به اطلاقات تمسّک بکنیم. آن مقداری که مشروعیّت غسل جمعه محرَز است، إلی الزوال است. و روایتی که فرموده «کان أبی یغتسل عند الرواح» که در سابق گفتیم رواح به معنای عصر است؛ و مرحوم خوئی همین جور معنی می­کرد؛ و لکن این معنی هم نادرست است. همانطور که از خلاف مرحوم شیخ طوسی در بحث غسل جمعه بر می­آید، رواح یعنی ذهاب به صلات جمعه. اختلافی که بین شیعه و اهل سنّت است که آنها می­گفتند اگر رواح به صلات جمعه داشتید؛ غسلت مشروع است؛ و اگر رواح نداشتید، غسلت مشروع نیست. همانطور که مرحوم بحر العلوم در کتاب مصابیح فرموده است، که در تعلیقه من لا یحضره الفقیه هم کلام ایشان را آورده است؛ رواح یک اصطلاح است که به معنای اراده ذهاب به نماز جمعه است. خصوصاً و لو کسی بگوید که تا بعد از زوال هم امتداد دارد؛ ولی أفضل قبل از زوال و قُرب زوال است. اینکه آن روز بعضی اشکال می­کردند که بعید است که به صورت مستمرّ حضرت در هنگام عصر این کار را انجام داده باشند؛ درست است. رواح لغوی که در قرآن آمده است؛ مراد نیست. رواح در اصطلاح روایات، به جهت اختلاف بین شیعه و سنّی، به معنای ذهاب به نماز جمعه است. این روایت هم دلالت ندارد که وقت نماز جمعه.

نکته بحث این است که ما اطلاقات را از کار انداختیم، و از آن طرف هم مشهور إلی الزول گفته­اند؛ که در این صورت به قدر متیقّن روایت که إلی الزوال است؛ أخذ می­کنیم.

نهایه ابن أثیر رواح را به معنای ذهاب دانسته است؛ و اینکه به معنای راحتی روح باشد؛ خلاف ظاهر است.

###### ثمرات بحث اختلاف در انتهای وقت غسل جمعه

اما اینکه ثمره این بحث چیست؟ مسلّم است که بعد از زوال هم می­تواند غسل جمعه را بیاورد؛ زیرا در همین روایات فرموده «یغتسل ما بینه و بین اللیل». برای این بحث سه ثمره نقل کرده­اند.

ثمره أوّل: نیّت أداء و قضاء بعد از زوال

گفته­اند اگر وقت غسل جمعه تا غروب ممتدّ باشد؛ بعد از زوال که می­آورد، به نیّت اداء بیاورد. و اما اگر بگوئید وقتش تا زوال است؛ باید بعد از زوال به نیّت قضاء بیاورد.

مناقشه در ثمره أوّل

و لکن همانطور که مرحوم خوئی در تنقیح[[3]](#footnote-3) و دیگران فرموده­اند این ثمره نادرست است. حقیقت قضاء در مقابل اداء، إتیان مأمورٌ به در خارج وقت است. هر کس مأمورٌ به را در خارج وقت بیاورد، مصداق قضاء است؛ چه نیّت قضاء بکند یا نیّت قضاء نکند. قضاء نیاز به نیّت ندارد؛ چنانچه اداء هم نیاز به نیّت ندارد.

بله یک مسأله هست که گاهی بخاطر تمییز، نیّت اداء و قضاء لازم است؛ چون مشترک شده است. اگر گفتید وقت غسل جمعه تا غروب است، یعنی همان امر باقی است؛ و اگر وقت ندارد، به قصد امر جدید است. اما در جائی که عمل شما مشترک بشود بین قضاء و اداء، آنجا نیّت قضاء و اداء بخاطر تمییز آن امری که قصد کردید، لازم است. مثلاً فرض بفرماید زنی مسافر است، اول ظهر نماز صبح را به صورت اخفات می­خواند؛ اینجا اگر خواسته باشد آن امر به نماز صبح امتثال بکند، باید بگوید به قصد آن دو رکعت صبح، این نماز را می­آورم. اینکه لازم است در نیّتش آن امر، یا این امر را تعیین بکند؛ برای این است که تمییز پیدا بشود. این است که در خواندن نماز از جانب میّت، لزومی ندارد که بگوید چهار رکعت نماز قضاء از میّت می­خوانم؛ بلکه همین که بگوید چهار رکعت نماز از قِبل میّت می­خوانم؛ کافی است.

چه بگوئیم امر به غسل جمعه تا غروب است، آن را به قصد امر می­آوریم؛ و نیّت اداء لازم نیست. و اگر هم بگوئیم که تا زوال است، و امر جدید است، به قصد امر جدید می­آوریم و قصد قضاء لازم نیست. این است که ثمری ندارد که وقتش تا آخر روز باشد یا تا ظهر باشد.

ثمره دوم: کمبود آب تا زوال

ثمره دوم راجع به فرعی است که بعد مرحوم سیّد متعرّض آن شده است. و آن فرع، إعواز الماء در یوم الجمعه است. اگر خوف یا یقین دارد که در روز جمعه آب پیدا نمی­شود؛ دو روایت داریم و همچنین اجماع و تسالم است که می­تواند در روز پنج شنبه غسل جمعه بکند. که ثمره این است اگر وقت غسل جمعه تا غروب است، باید تا غروب را ملاحظه بکند؛ و اگر بعد از زوال آب پیدا می­شود، إعواز صغری ندارد. و اگر تا زوال است، باید تا زوال را نگاه کرد. حال اگر این شخص بداند که بعد از زوال آب دارد، در صورتی که منتهای وقت غسل جمعه تا زوال باشد، صغرای إعواز است؛ و اگر منتهای آن، غروب باشد، صغرای إعواز نیست.

مناقشه در ثمره دوم

و لکن همانطور که در تنقیح[[4]](#footnote-4) فرموده، این ثمره هم درست نیست. آنی که در روایات است، إعواز الماء فی الغد است؛ موضوعش «فی الغد» است؛ نه إعواز الماء برای غسل جمعه. ﴿مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بِإِسْنَادِهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) قَالَ: قَالَ لِأَصْحَابِهِ إِنَّكُمْ تَأْتُونَ غَداً مَنْزِلًا لَيْسَ فِيهِ مَاءٌ- فَاغْتَسِلُوا الْيَوْمَ لِغَدٍ فَاغْتَسَلْنَا يَوْمَ الْخَمِيسِ لِلْجُمُعَةِ ﴾.[[5]](#footnote-5) کلمه «غد» شامل قبل و بعد از ظهر می­شود. این است که این ثمره هم ناتمام است. چون موضوع روایات إعواز، إعواز فی الغد است؛ و غدّ هم اطلاق دارد.

ثمره سوم: إجزاء غسل روز پنج شنبه در صورت اعتقاد به عدم وجدان آب تا زوال جمعه

ثمره سومی که نقل کرده­اند این است که در همین فرض إعواز آب، اگر اعتقاد پیدا کرد که فردا آب پیدا نمی­کند؛ و روز پنج شنبه غسل جمعه کرد؛ و بعد از زوال روز جمعه آب پیدا کرد؛ اگر وقت غسل جمعه تا شب باشد، این شخص إعواز نداشته است؛ بلکه إعوازش خیالی بوده است. اما اگر وقت غسل تا زوال باشد، غسلش صحیح است.

مناقشه در ثمره سوم

و لکن این ثمره هم درست نیست. این کلمه درست است که اگر گفتیم وقت نماز جمعه تا زول است؛ اینجا أعوز الماء تا زوال صدق می­کند و مطابق واقع بوده است؛ اما اگر گفتیم وقتش تا غروب است، أعوز صدق نمی­کند. و لکن دو مسأله است، أوّلاً: موضوع أعوز، أعوز فی الغد است. و شامل هر دو فرض می­شود؛ و در هر دو فرض، إعواز شما خیالی بوده است. و یک جهت دیگر هم بحث إجزاء است؛ و روایات أعوز هم که إجزاء را بیان نمی­کند؛ تا بگوئیم إجزائش با صدق أعوز فرق می­کند.

اینکه مجزی است یا نه، یک مبنای دیگری دارد. مبنایش حکم ظاهری است؛ که استصحاب استقبالی می­کند که تا غروب آب ندارد، و غسلش مجزی است؛ چه وقتش تا زوال باشد یا تا غروب باشد. اگر حکم ظاهری را مجزی می­دانید، در فرض شک حکم ظاهری دارد؛ و این غسلش مجزی است. و اگر مجزی نمی­دانید، یا امر ظاهری ندارد؛ مثلاً شک ندارد بلکه یقین دارد که تا فردا آب ندارد، می­گوئیم دلیلی بر إجزاء غسل روز پنج شنبه نداریم؛ چه وقت غسل جمعه تا ظهر باشد، یا تا غروب باشد.

ما از دو بُعد می­گوئیم این ثمره، ناتمام است؛ هم از ناحیه موضوع غسل یوم الخمیس که در هر دو سیّان هستند؛ و هم از ناحیه إجزاء که ملاک إجزاء در هر دو سیّان است؛ یا در هر دو مجزی است؛ یا مجزی نیست. لذا این ثمره ثالثه هم نادرست است.

1. [وسائل الشیعه، شیخ حر عاملی، ج3، ص321، ابواب اغسال مسنونه، باب10، ح4، ط آل البيت.](http://lib.eshia.ir/11025/10/321/بین%20اللیل) [↑](#footnote-ref-1)
2. [وسائل الشیعه، شیخ حر عاملی، ج3، ص319، ابواب اغسال مسنونه، باب8، ح1، ط آل البيت.](http://lib.eshia.ir/11025/3/329/ینسی) [↑](#footnote-ref-2)
3. [موسوعة الامام الخویی، ابوالقاسم خویی، ج10، ص13.](http://lib.eshia.ir/71334/10/13/القضاء) (و فيه: أن ذلك لا يكون ثمرة بوجه، لأن الامتثال لا يتوقف على قصد الأداء و القضاء، لأنه عبارة عن الإتيان بالعمل مضافاً إلى المولى، دون اعتبار قصد الأداء و القضاء فيه.

   نعم هذا إنما يلزم إذا كان عليه واجبان و توجه إليه أمران: أحدهما الأمر بالأداء‌ كما أن الأولى مع تركه إلى الغروب أن يأتي به بعنوان القضاء في نهار السبت لا في ليله‌ و الثاني الأمر بالقضاء، كما لو فاتته صلاة الظهر أو الفجر من اليوم السابق فإنه بعد الظهر أو الفجر يكلف بواجبين، و لا يحصل الامتثال لأحدهما إلّا بقصد الأداء أو القضاء. و أما إذا كان عليه أمر واحد فلا يلزم في امتثاله قصد شي‌ء من الأداء أو القضاء، فإن الإتيان بقصد امتثال الأمر الفعلي كافٍ في الامتثال). [↑](#footnote-ref-3)
4. [موسوعة الامام الخویی، ابوالقاسم خویی، ج10، ص14.](http://lib.eshia.ir/71334/10/14/الإعواز) (و فيه: أن ما دلّ على جواز التقديم يوم الخميس قد اشتمل على الإعواز في الغد و الغد يصدق على ما قبل الزوال كما يصدق على ما بعده على حد سواء، فالاعواز في كلا الوقتين مسوغ للتقديم كان الغسل بعد الزوال أداءً أم كان قضاءً، على أن ما دلّ على جواز التقديم مع الإعواز قبل الزوال أو بعده ضعيف لا يمكن الاعتماد عليه). [↑](#footnote-ref-4)
5. [وسائل الشیعه، شیخ حر عاملی، ج3، ص319، ابواب اغسال مسنونه، باب9، ح1، ط آل البيت.](http://lib.eshia.ir/11025/3/319/تاتون) [↑](#footnote-ref-5)